

# آن روی سگ ترامپ

**رئیس‌جمهور امریکا اعتراضات را هم با عینک انتخابات نگاه می‌کند**



نه کشته شدن یک سیاه‌پوست به دست افسران پلیس امریکا بدون ارتکاب جرمی اتفاق نازم‌ای است و نه شورش‌های بعد از چنین اتفاقی. از این جهت، شورش‌های چند روز اخیر در امریکا اتفاق نازم‌ای نیست و دست‌کم از زمانی که رزا بارکس در ۵۰ سال قبل ناشد از روی صندلی مخصوص سفیدپوستان در اتوبوس بلند شود و این کار او سر آغازی شد برای جنبش مدنی سیاه‌پوستان امریکا، این نوع اعتراض‌های و مشعلت‌های هر از چند وقت یک بار در شهرهای امریکا رخ می‌دهد. با این حال، اعتراضاتی که از شهر مینیاپولیس در ایالت مینه‌سوتا شروع شده و در عرض دو سه روز به دیگر ایالت‌ها و شهرهای مهم امریکا مثل لس‌آنجلس، آتلانتا و فیلادلفیا گسترش یافته، ویژگی‌های خاصی دارد که بی‌شک یکی از این ویژگی‌ها مربوط می‌شود به نداشتن رئیس‌جمهور امریکا معترضین را با سگ‌های درنده تهدید کرده باشد.

■ **روایت همیشگی**

به لحاظ کلی، اعتراضات اخیر بنا بر همان روایت همیشگی از تبعیض نژادی در جامعه امریکا به وجود آمده است. اما رها به خوبی گویای این تبعیض است. روزنامه‌نگار مشهور جهان عرب عبدالباری عطوان در سرمقاله

اخیر خود در روزنامه رأ‌الایوم گوشه‌ای از این آمارها را بیان کرده است. او به درستی اشاره به سیاه‌پوستانی همچون باراک اوباما، کاندولیزا رایس، کالین پاول و سوزان رایس کرده که توانسته‌اند تا مقام‌های ارشد امریکا از ریاست جمهوری گرفته تا وزارت جنگ و خارجه و مشاور امنیت ملی برسند اما موفقیت آنها ربطی به جامعه سیاه‌پوست امریکا نداشته و نتوانسته وضعیت را برای اعضای این جامعه به حدی تغییر دهد که بتوان نقشه دیگری تبعیضی در کار نیست. وجود این تبعیض باعث می‌شود تا نسبت سن سیاه‌پوستان به سفیدپوستان شش سال کمتر باشد و با وجود این که جامعه سفیدپوست امریکا تنها ۱۳ درصد از کل جمعیت امریکا را تشکیل می‌دهد اما ۴۳ درصد از زندانیان امریکایی از میان همین جامعه است. این وضعیت در جریان اخیر نیز تغییر نکرده و راهی برای سایر مسلمانان و روزنامه‌انگلیسی اخیرا تبعیض نژادی را در تصویر عمومی از مبتلایان و مرگ و میر ناشی از کرونا به این نشان داد: «ویروس سیاه‌پوستی، سخنان او هر از گاه سر و صدایی گرفته اما نوک پیکان آن به سمت جامعه سیاه‌پوستان است.» منلز تلخ این ماجرا وقتی بیشتر معلوم می‌شود که مدافعان اهداف متعالی آماده و فراهم شود. البته این ویروس بوده‌اند و به قول این روزنامه: «بسیاری از سیاه‌پوستانی که در اثر ابتلا به کووید ۱۹ جان خود را از دست

داده‌اند، آخرین پرچمداران مبارزات مدنی بودند.» مسلماً وضعیت معیشتی جامعه سیاه‌پوستان به همراه عدم دسترسی این جامعه به مراقبت‌های لازم بهداشتی و پزشکی از جمله عواملی بوده که باعث شد تا میزان مرگ و میر سیاه‌پوستان بر اثر کووید ۱۹ هفت برابر سفیدپوستان باشد و گاردین هم شهر نیورلن از ایالت لوئیزیانا اشاره می‌کند که حدود ۲۹ درصد از جمعیت آن سیاه‌پوست است اما ۷۰ درصد از مرگ و میرهای آن از شیوع کووید ۱۹ از میان همین جمعیت بوده است.

■ **رئیس‌جمهور نژادپرست**

ویژگی خاص این‌دور از اعتراضات حضور فردی در کاخ سفید است که در سطح سفیدپوستان نژادپرست از حامیان اصلی انتخاباتی او هستند و هم این که خودش تعلق خاطری به این طیف دارد هر چند که اخیراً سیاسی به او اجازه تظاهر به نژادپرستی نمی‌دهد. دونالد ترامپ با دو ویژگی مشخص زن‌ستیزی و نژادپرستی به کاخ سفید وارد شد و مخصوصاً در زمینه نژادپرستی، سخنان او هر از گاه سر و صدایی به راه انداخته است. برای نمونه، او در جریان حرکت مهاجران امریکای مرکزی به سمت امریکا در جلسه ۱۱ ژانویه با نمایندگان جمهوری خود، دو مرتبه نامی این کشورها را «چرا این مردم را از کشورهایی که چاه توالت هستند، به اینجا راه می‌دهیم؟» و در ادامه گفت ترجیح می‌دهد مهاجرانی

## ایجاد وحشت در دل امپریالیسم با توان محور مقاومت

وجودی هر کشور است چراکه وابستگی و اسارت خواست قدرت‌های امپریالیستی است، به طوری که یکی از مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های امپریالیسم که در رأس آن شده اولویت راهی برای سایر مسلمانان و مستضعفان جهان است تا با مستکبران و امپریالیسم جهانی مقابله کنند. بر این اساس نیاز است که جامعه و جهان اسلام برای این اهداف متعالی آماده و فراهم شود. البته توسعه محور مقاومت برخلاف ادعای برخی بدخواهان و معاندان بدان معنا نیست که ایران به دنبال یک پروژه ایدئولوژیک حلال شیعه در منطقه و یا توسعه قلمرو سرزمینی خود است، چراکه محور مقاومت امروزه مرزهای مذهبی و جغرافیایی را درنوردیده و الزماً شامل کشورهای شیعه‌مذهب و مسلمان نیست و حتی مرز جغرافیایی هم نمی‌شناسد به طوری که امروز کشورهایی مانند ونزوئلا، یمن، لبنان و… عضو از محور مقاومت هستند بی‌آنکه مرز جغرافیایی یا دین مشترک برای آنها معیار باشد. کشورهایی که در مسیر استقلال خواهی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان قیام می‌کنند را چه می‌نامند؟ و چرا کشور باید در این ارتباط هزینه و سرمایه‌گذاری کند؟

■ **استقلال و آزادی**

استقلال و آزادی یکی از اساسی‌ترین اصول

# پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۹ ۸۸۴۹۸۴۴

گزارش یک

محمود حکیمی

# آن روی سگ ترامپ

**رئیس‌جمهور امریکا اعتراضات را هم با عینک انتخابات نگاه می‌کند**



طرز عجیبی برای معترضان به نژادپرستی خط و نشان می‌کشد.

■ **سال انتخابات**

نکته قابل تأمل اینجاست که این اعتراضات ریاست جمهوری امریکا در همین سال برگزار شود. زمان برگزاری این انتخابات روز سه‌شنبه سوم نوامبر یا کمتر از شش ماه دیگر است و باید گفت این اعتراضات بی‌ارتباط با موضوع انتخابات نیست و تأثیر اعتراضات تا آن موقع حفظ خواهد شد. شکی نیست که قتل فیجع جورج فلوید توسط درک شووین، افسر پلیس مینیاپولیس، با آن وضع دلخراشی که در تصاویر ویدیویی دیده شد، عامل اصلی برای تحریک و تهییج معترضان بوده اما خشم آنها تا اندازه‌ای به دلیل شخص ترامپ است که او را مقصر وقوع چنین حوادث دلخراش نژادپرستانه‌ای می‌دانند. این موضوع باعث شده تا شهرهای مهم کالیفرنیا به عنوان یکی از مراکز اصلی دموکرات‌ها با وجود فاصله قابل توجه با ایالت مینه‌سوتا عرصه تظاهرات و اعتراض شود و کسانی که مقابل کاخ سفید حاضر شده بودند هم پیش از هر چیز معترض به خود ترامپ بودند. پاسخ ترامپ تند و خشن بوده و گذشته از گارد ملی، به وزارت دفاع دستور استفاده از نیروهای ارتش داده که این صف‌آرایی نظامی در ۳۰ سال گذشته بی‌سابقه بوده چراکه ورود نیروهای ارتش به خیابان‌های امریکا در ۱۹۹۲ و برای سرکوب اعتراضات به نژادپرستی در لس‌آنجلس بود و مقامات کاخ سفید در این مدت سعی می‌کردند اعتراضات را با نیروهای پلیس یا حداکثر با استفاده از نیروهای گارد ملی کنترل کنند. به نظر می‌رسد ترامپ با این شیوه تنها به دنبال آرام کردن اوضاع نیست بلکه می‌خواهد از خود چهره‌ای مقتدرتر به نمایش بگذارد. این نمایش می‌تواند مطلوب هواداران او باشد یعنی همان طیف از مردان سفیدپوست که ترامپ تا ایالات متحده فعلی به این ترتیب، دست‌مایات نژادپرستانه دارند.

این هم‌اکنون اسررائیلی را از جنوب فلسطین به راه از زاویه بحران اجتماعی بلکه همچون صحنه یک نمایش انتخاباتی می‌بیند و می‌خواهد با اجرای نمایشی از قدرت رأی هواداران خود را مقابل چنل توچه اینجمالت اندازه زیادی پاسخ به منتقدان دموکراتی است که دسترسی در این اعتراضات دارند. این به ترتیب، موضوع حقوق مدنی جامعه سیاه‌پوست امریکا در مقابل اعتراضات دستمایه انتخاباتی بین ترامپ و دموکرات‌ها شده و به عبارتی، به جای توجه به علل و عوامل تبعیض نژادی و تلاش در جهت رفع آن باز طبقه حاکم به دنبال بهره‌برداری از این معضل در سال انتخاباتی است و ترامپ هم به سبک و شیوه خاص خود با سگ‌های درنده به میدان آمده است.

### تحلیل



## نقطه عطف نظامی پکن از تایوان

■ **سیدنعمت‌الله عبدالرحیم‌زاده**
رئیس‌جمهور امریکا دونالد ترامپ در ۱۵ ژانویه توافق تجاری بین امریکا و چین را به همراه لیو هه، معاون نخست‌وزیر جمهوری خلق چین، امضا کرد تا نقطه پایانی باشد برای جنگ تجاری بین دو طرف که حدود دو سال طول کشید. بعد از آن گفته شد که ترامپ برنامه سفر به پکن دارد و این تصور پیش آمد که دو کشور بعد از یک دوره بحران تجاری، آماده می‌شوند تا این بحران را پشت سر بگذارند اما همه چیز با ویروس کرونا و شیوع جهانی آن تغییر کرد. در واقع، نه خود ویروس و نه شیوع جهانی آن علت بازگشت دو کشور به تنش و بحران در روابط نبود بلکه ناتوانی دولت ترامپ از کنترل و مقابله با آن علت اصلی آن بود به نحوی که خامت اوضاع از گسترش ویروس در امریکا و آمار بالای مبتلایان مرگ و میرها به میزان بیش از یک‌سوم جهانی، ترامپ را وا داشت تا با فرافکنی و حمله به چین از خود رفع مسئولیت کند. در این بین، او دوباره موضوع نظر می‌رسد که حساسیت پکن بر سر این موضوع همانند دیگر مسائل حتی دخالت‌های امریکا در موضوع هنگ‌کنگ نیست.

■ **زخم قدیمی**

نکته اصلی و مهم در مسئله تایوان با نام‌های مختلف جمهوری چین، چین تایپه، چین ملی و فرمز این است که موضوع همانند مسئله ایغورها مربوط به قومی خاص یا همانند مسئله هنگ‌کنگ مربوط به منطقه کوچکی از چین نمی‌شود هر چند این منطقه به لحاظ اقتصادی و تجاری اهمیت خاصی داشته باشد. موضوع تایوان با سه‌امیت چین مدرن است که باعث می‌شود تا چین و آمریکا در هر دو منشأ کل سرزمین چین بکنند. در واقع، تایپه و پکن در مورد یک موضوع اتفاق نظر دارند و آن تشکیل چین واحد است چنان که هر دو منشأ سیاسی خود را از انقلاب ۱۹۱۱ چین به نام انقلاب شسین‌های می‌دانند و به همین جهت نیز هر دو در ۱۱۰ اکتبر سالگرد این انقلاب را جشن می‌گیرند. نکته قابل توجه اینجاست که تایوان به عنوان نمایندگی از مردم چین از اعضای بنیانگذار سازمان ملل و حتی کرسی دائم در شورای امنیت را در دست داشت اما این وضعیت با تصویب قطعنامه ۲۷۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۵ اکتبر ۱۹۷۱ تغییر کرد و با اخراج تایوان، کرسی آن به جمهوری خلق چین داده شد. هر چند این فرایند با درخواست ۱۷ کشور به رهبری ایالتی از مجمع عمومی برای تعیین جمهوری خلق چین به عنوان تنها نماینده واقعی کشور چین شروع شد اما نباید فراموش کرد که سیاست ریچارد نیکسون برای بازسازی سیاست خارجی امریکا به این اقدام قاعدتاً گذشتن خود را برای مدارا با تایپه تا زمان بازگشت به چین واحد کنار گذاشته و جلا حرف از اقدام نظامی می‌زند. لی‌زو چنگ، رئیس‌سناد مشترک نیروهای مسلح چین و عضو کمیسیون مرکزی نظامی چین، جمعه گذشته گفت: «در صورت ادامه پافشاری تایوان گزینه نظامی را اجزایی می‌کنیم.» علاوه بر این، لی‌جان چو به عنوان سومین مقام ارشد حزب کمونیست چین نیز از گزینه نظامی قاعده‌هر چند باز اولویت را به حل مسالمت‌آمیز داد است. از سوی دیگر، نخست‌وزیر چین لی‌کچیانگ هفته قبل از تمایل قطع گفتن برای بازگرداندن تایوان به این اقدام فطوح خود را بناو هواپیمابر چینی داشت و در مورد چین، نمی‌توانست این برنامه را بدون دادن حق عضویت در سازمان ملل بین‌المللی نقش سازنده داشته باشد، بلکه مانع توسعه‌طلبی‌ها و یکجانبه‌گری‌های دشمن چه در منطقه و جهان شود. اگر در جهان کنونی فجایی همچون معامله صلح در نطفه خفه می‌شود یا طرح‌های صلح بین‌المللی نقش سازنده داشته باشد، پکن تا حد امکان از این فرصت استفاده خواهد کرد. پکن تا حد امکان از این موضوع به عنوان اهرم فشاری بر پکن بهره‌برداری کرده است.

■ **بازی با کارت تایوان**

نیکسون در راستای سیاست تشنج‌زدایی خود نه تنها راه ورود پکن را به سازمان ملل و گرفتن کرسی از جنگ تایپه هموار کرد بلکه نخستین